

## واژگانی که در املاي کنکوري کاربرد بسياري دارند

۱- اتباع: پيروان

کاربرد املايي درست:

و اتباع و حشم او از آن خطه بيرون کردند. (زبان ۸۵)

کاربرد املايي نادرست:

پس فرمود تا اطباع و حشم او از آن خطه بيرون کردند. (زبان ۸۶)

۲- مرضي: پسندیده

کاربرد املايي درست:

پسندیده تر اخلاق ملوک، عزيز گردانیدن خدمت کاران مرضي اثر است. (تجربي ۸۶)

کاربرد املايي نادرست:

و پسندیده تر اخلاق ملوک، رغبت نمودن است در محاسن صواب و عزيز گردانیدن خدمت کاران مرزي اثر. (رياضي ۹۰)

۳- حزم: دوراندیشي، هوشیاري

کاربرد املايي درست:

جانب حزم را مهمل نگذارد. (زبان ۸۶)

کاربرد املايي نادرست:

بقا و فراغ ملک وسطوت سلطنت بی هضم کامل و عدل شامل ممکن نباشد(هنر  
(۸۸)

۴- مهمل: بیهوده- بی معنی-کلام بیهوده و بی معنی

کاربرد املائی درست

این قدر مهمل گفت که سر رشته ی امور از دستمون رفت.

کاربرد املائی نادرست:

جانب حزم را محمل نگذارد(زبان ۸۶)

۵-خوار:بی مقدار-بی ارزش

کاربرد املائی درست:

عاجزتر ملوک آن است که مهمات ملک را خوار دارد.(تجربی ۹۰)

کاربرد املائی نادرست:

ملک از استماع این نصیحت امتناع نمود و سخن مشیر بی نظیر خار داشت.

(زبان -۸۹)

۶- غمز: سخن چینی کردن، آشکار کردن راز کسی، اشاره کردن به چشم و ابرو  
کاربرد املائی درست:

هول ارتکابی کردی و این غدر غمز را مدخلی نیک باریک جستی  
کاربرد املائی نادرست:  
باد صبا در میان غمزی می کرد.

۷- تامل: درباره ی امری به دقت فکر کردن، درنگ کردن در کاری  
کاربرد املائی درست:

این کتاب بر ذکر و اظهار بعضی از آن مشتمل است. تاملی به سزا رود، شناخته  
گردد. (زبان ۸۵)  
کاربرد املائی نادرست:

من آن راجح سخن قاصر فعلم که در خواتم کارها تعمل کافی نکنم. (ریاضی ۸۵)

۸- حمیت: مروت، مردانگی

کاربرد املائی درست:

درویشی اهل بلاهاو داعی دشمنایگی خلق و و زایل کننده ی زور و حمیت  
است. (هنر ۸۷)

کاربرد املائی نادرست:

اگر از روی دین و همیت کوششی پیوسته آید، برکات و ثواب های آن را نهایت  
صورت نبندد. (ریاضی ۸۹)

۹- زلت: خطا لغزش

کاربرد املائی درست:

بی زلت و بی گناه محبوسم

کاربرد املائی نادرست:

گاه ناصحان را به عذاب ذلت جانیان مواخذه می نمایند (تجربی ۸۶)

۱۰- متابعت: پیروی کردن

کاربرد املائی درست:

از متابعت من اعراض کردند (تجربی ۸۸)

کاربرد املائی نادرست:

امروز که زمانه در اطاعت و فلک در مطابعت رای و رایت سلطان عادل است.... (هنر ۸۸)

۱۱- معاونت: یاری- همکاری

کاربرد املائی درست:

و در تخلص تو از آن معاونت و ... روا نبیند. (هنر- ۹۰)

کاربرد املائی نادرست:

در کسب منافع و دفع مضار موونتی و مظاهرتی واجب دارد (زبان ۹۰)

۱۲- ثنا: ستایش

کاربرد املائی درست:

پس از ثنای جمع لب به سخن گشود.

کاربرد املائی نادرست:

سه تن آرزوی چیزی برند و نیایند، مفسدی که ثواب مصلحان چشم دارد و بخیلی که سنای اصحاب مروت توقع کند. (خارج از کشور ۹۰)

۱۳- صلاح: شایسته و مناسب بودن امری، مصلحت، نیکوکاری

کاربرد املائی درست:

اهل آن مکان کار در آن دیدند که شیران را بکشتند.

کاربرد املائی نادرست:

چون اولوالامر از سلاح و فساد ایشان واقف نباشند، مطالب ایشان را به اجابت مقرون گرداند.

۱۴- غدر: حيله- مکر- فریب

کاربرد املائی درست:

تا دلایل غدر و خدیعت و مکر او ظاهر گشت (زبان ۸۵)

کاربرد املائی نادرست:

تا دلایل قدر و مکر او ظاهر گشت (زبان ۸۶)

۱۵-عاجل: به شتاب آینده

کاربرد املائی درست:

راحت عاجل به تشویش محنت آینده تیر کردن خلاف رای خردمندان است.

کاربرد املائی نادرست:

مثال، اگر چه در آجل توقفی رود، عذاب آینده بی شبهت منتظر باشد.

۱۶-سمین: چاق

کاربرد املائی درست:

موجودی بود چاق و سمین

کاربرد املائی نادرست:

گاوی ثمین و فربه در چراگاهی روزگار می گذراند.

۱۷-فراغ: آسایش

کاربرد املائی درست:

در طلب رضای فراغ دوستان سعی پیوند(زبان ۹۰)

کاربرد املائی نادرست:

اگر جان و نفس فدای ذات و فراق او نگردانیم به کفران نعمت متهم شویم.

۱۸- فراق: دوری، جدایی

کاربرد املائی درست:

سینه خواهم شرحه شرحه فراق

کاربرد املائی نادرست:

با هزار سوزش فراغ و آرزومند اشتیاق، شرح واقعه ی .... به کدام زبان داده شود (تجربی ۸۵)

۱۹- هادی: هدایت کننده

کاربرد املائی درست:

او هادی متعلمان و هنر جویان بود.

کاربرد املائی نادرست:

بدان که حادی طریق نجات او بود. (زبان ۸۷)

۲۰- حادی: سرود خوان

کاربرد املائی درست:

بدان که این غلامی است حادی و صوتی خوش دارد

کاربرد املائی نادرست:

رقصی که به سماع حدای هیچ هادی نکرد